



یادداشت

رژیم قادر به رفع هیچ کدام از بحرانها نیست

صادق کار



روز گذشته یکی از روزنامه های اقتصادی از قول (مهدی بستانچی، رئیس شورای هماهنگی شهرک های صنعتی) از کاهش ۳ تا ۴۰ درصد تولیدات صنعتی بخاطر قطع برق و نیمه تعطیل شدن این واحدها و به . مخاطره افتادن شغل ۲۰۰ هزار کارگر صنعتی در اثر آن خبر داد

البته در صورت تداوم و طولانی شدن دوره بی برقی علاوه بر کارگران واحدهای صنعتی کارگران بخش های غیر صنعتی نیز در معرض بیکار شدن قرار خواهند گرفت. بدتر از همه این است که دولت قادر نیست اعلام کند این وضعیت تا چه مدت ادامه خواهد داشت. برنامه ای نیز به نظر می رسد دولت در کوتاه و میان مدت برای رفع این بحران پرخسارت ندارد. این دولت نیز مانند دولتهای پیشین تقصیر را به گردن دولتهای گذشته می گذارد، بلکه خود را از مسئولیت مبرا کند

بیکاری به گفته رئیس شورای هماهنگی شهرک های صنعتی تنها یکی از نتایج بحران موجود است، کمبود کالا و گرانی کالاها از تاثیرات دیگر بلافصل این وضعیت است. بهر حال این وضعیت برای مدتی طولانی قابل دوام و تحمل نیست و کسانی که از این وضعیت صدمه می بینند آرام نخواهند نشست

اگر هنوز کار آسیب دیدگان به اعتراض خیابانی کشیده نشده بخاطر وجود سایه فضای جنگی بر سر جامعه است. واقعیت هم این است که دولت نه برنامه جامعی برای تامین برق و آب مورد نیاز مردم اعلام کرده و نه به نظر می رسد که اصولا توانایی و راهکار مناسبی برای مهار دامنه بحران را دارد

اطلاعات ضد و نقیضی هم که راجع به علل بحران ها منتشر می شود آنقدر ضد و نقیض و بعضا متضاد هم هستند که حتی دانستن علل واقعی بحران ها را دشوار می کند. و زمانی که علل واقعی بحران از افکار عمومی و کارشناسان خبره پنهان نگه داشته می شود، پیدا کردن راه حل نیز بسیار دشوار می شود. وجود فضای جنگی نیز بهانه ای می شود برای پنهانکاری بیشتر. البته بحرانهای دیگری هم چون گرانی نان و برنج وجود دارد که حکومت هنوز نتوانسته آن را مهار کند. این دو کالای خوراکی اساسی که غذای اصلی مردم محسوب می شوند، هر دو گران شدند، بدون اینکه دولت فکری برای جبران افزایش قیمت آنها و سایر کالاها بنماید. نان ۵۲ درصد دوباره گران شد، اما نه رضایت ناوایی ها را تامین کرد و نه از نارضایتی مصرف کنندگان جلوگیری کرد. مردم از این مقدار افزایش ناراضی اند و معتقدند گرانی نان به افزایش قیمت بیشتر مواد



غذایی از برنج و سیب زمینی گرفته تا ماکارونی و حبوبات و سایر اقلام خوراکی ها منجر خواهد شد. نانوایا هم ۵۲ درصد را ناکافی می دانند و خواهان افزایش ۲۰۰ درصد به قیمت نان هستند. بهمین جهت اعتراض نانوایا بعد از افزایش قیمت نان نیز ادامه پیدا کرد. در مورد سوخت دیزل نیز اعتراضات دامنه دار است. اینها همگی از بحران و شورشهایی که می توانند بزودی بوجود بیاورند و روزهای سختی که در پیش داریم حکایت می کنند. روزهای بسیار سخت

در مورد آب نیز اظهارات و اطلاعاتی که به مردم داده می شود آنقدر ضد و نقیض است که مردم را به کلی گیج و سر در گم می کند. یکی از مدیران دولتی در حوزه آب گفته است، آب کافی در کشور داریم و نیازی به واردات آب از خارج نداریم، ولی مدیریت آب نادرست است. بعضی از کارشناسان رقابت درون مافیای آب را باعث این رخداد عنوان کرده اند، یک استاد دانشگاه دخالت عناصر سود جو از جمله عده ای از نمایندگان مجلس را که مشغول مذاکره برای گرفتن امتیاز آب از تاجیکستان هستند را سبب این پیشامد می داند و جمعی از کارشناسان تغییر الگوی کشت و مکانیزه کردن آبیاری را چاره ساز می دانند. در این میان آنطور که از صحبت های انتقادی عیسی کلانتری بر می آید، مشکل ریشه دار است، قبلا پیشبینی شده است، هشدار لازم داده شده، اما یا توجه نشده یا مسئولین قضیه را به امید خدا واگذار کرده اند.

از این حرفها می شود نتیجه گرفت که اساسا مسئولین یا به دلیل نداشتن صلاحیت مدیریتی یا آلودگی به فساد، قادر به مدیریت بحران های برق، آب و گاز و بیکاری و رکود نیستند و شایستگی حکومت کردن بر کشور را نداشته و ندارند. اما آیا در میان ۹۰ میلیون جمعیت کشور آنقدر کارشناس دلسوز و غیر آلوده به فساد برای اینکه مسئولیت اداره امور کشور را به عهده بگیرد وجود ندارد و مشکل قحط الرجال است؟ خیر، به هیچ وجه چنین نیست، نیرو های شایسته، توانا و دلسوز بیشتر از نیاز کشور وجود دارند، ولی تا زمانی که این رژیم فاسد و ناتوان بر سر کار است رفع هیچ کدام از بحران های موجود و فزاینده که مرتب تعدادشان فزونی می گیرد میسر نیست. این واقعیتی است که تجربه بیش از ۴ دهه زمامداری این رژیم آنرا به اثبات رسانده است.

ادامه این حکومت تنها به تشدید و عمق پیدا کردن بحرانها منجر خواهد شد و اگر با وجود این حکومت کار به تعطیلی و خوابیدن کامل کشور بکشد نباید تعجب کرد. باید متحد و متشکل شد و این رژیم غارتگر و مستبد را قبل از اینکه وضعیت از این که هست بدتر شود برکنار کرد و یک نظام جمهوری دموکراتیک مردمی و مرفعی فراگیر را بدور از دخالت تجاوزگران زورگوی اسرائیلی و امریکایی بر جای آن نشاند. ۹۰ درصد مردم کشور از این حکومت ناراضی و به تنگ آمده اند. این جمعیت انبوه اگر متحد شود هم ظرفیت و توانایی برکناری این رژیم را دارد و هم توانایی بازسازی دموکراتیک کشور را. یک سال بعد از ورود نماینده روزنه گشایان قلابی به کاخ ریاست جمهوری بار دیگر روشن شد که هیچ ظرفیتی برای اصلاح امورات کشور و مردم در این رژیم وجود ندارد!

اتحاد رمز پیروزی است!

متحد و متشکل علیه فقر و استبداد برای نان و آزادی!



تحول اندیشه در باره فقر: بررسی تعاملات بخش پانزدهم

Lyn Squire و لین اسکوائر Ravi Kanbur نوشته راوی کانبور



آسیب پذیری و صدا

پرسیدن از تهیدستان 5.1

شاخصهای متعارف فقر عمدتاً بر پایه اطلاعات آماری حاصل از بررسیهای خانوار و خط فقر کمابیش سلیقه ای انتخاب می شوند، که فقرا را از غیرفقرا جدا می کنند. رویکرد تجربی بدیلی برای سنجش فقر وجود دارد که همانا پرسیدن از مردم است که فقر از نظر آنها چه معنایی دارد. تحقیقات اولیه در این زمینه با هدف جمع آوری اطلاعات در باره خط فقر بر اساس درآمد یا هزینه طراحی شده بودند. برای نمونه، ممکن است از پاسخ دهندگان پرسیده شود که چه سطح درآمدی را برای گذران یک زندگی حداقلی لازم می دانند.

پژوهشهای جدیدتر - موسوم به ارزیابیهای فقر با مشارکت فقرا* - بسیار باز، تعاملی و کیفی تر اند و به مردم اجازه می دهند فقر را در هر بُعدی که بخواهند توصیف کنند.

ارزیابیهای مشارکتی با این هدف طراحی شده اند که از طریق آنها درک شود افراد از گروههای اجتماعی گوناگون چگونه فقر خود و راهبردهای موجود برای کاهش فقر را ارزیابی می کنند؛ راهبردهای مختلف برای معیشت حداقلی چگونه عمل می کنند؛ کدام راهبردهای دولتی برای کاهش فقر از نظر مردم ترجیح دارد؛ و مردم حاضر اند از کدام یک از این راهبردها حمایت کنند. یافته های این ارزیابیها با هدف بازنگری، بسط یا تأیید نتیجه گیریهای ارزیابیهای متعارف فقر به کار گرفته می شوند.

در عین حال، ارزیابیهای مشارکتی فقر - با هدف درگیر کردن ذینفعان مختلف، ایجاد مشارکت، افزایش حس مالکیت محلی، و ایجاد تعهد به تغییر - توجه ویژه ای به «فرایند» دارند. هر ارزیابی مشارکتی متفاوت است و بازتابی از شرایط کشور، زمان در دسترس، و نیازهای اطلاعاتی سیاستگذاران است. ازاینرو، پرسشهای خاص هر ارزیابی تفاوتی زیادی با هم دارند.

بانک جهانی پس از انتشار گزارش توسعه جهانی سال ۱۹۹۰، به طور نظاممند ارزیابی فقر را برای هر کشور الزامی کرد. این ارزیابیها از منابع مختلفی برای تشخیص علل ساختاری فقر استفاده می کنند. با الهام از ، و لارنس سالمین (Robert Chambers)، رابرت چیمبرز (N.S. Jodha) پژوهشگرانی چون ان.اس. جودا



که از زمره مبتکران ارزیابی مشارکتی اند - از سال ۱۹۹۳ به بعد، ارزیابی‌های فقر - (Lawrence Salmen) بانک جهانی شروع به انجام ارزیابی‌های مشارکتی کردند.

ارزیابی‌های مشارکتی فقر روش شناسی خود را از ابزارهای تحلیلی دیگر مورد استفاده بانک جهانی اقتباس کرده‌اند؛ از جمله «ارزیابی‌های ذینفعان»، که برای دریافت بازخورد از دریافت کنندگان خدمات طراحی شده‌اند، و «ارزیابی‌های مشارکتی روستایی»، که ذینفعان را در دستیابی سریع به درکی از یک منطقه مشخص درگیر می‌کنند. تا ژوئیه ۱۹۹۸، ۴۳ ارزیابی مشارکتی سیاست محور در بانک جهانی انجام شده بودند و حداقل ۱۰ ارزیابی دیگر نیز در جریان بودند. از میان ۴۳ ارزیابی انجام شده، ۲۸ مورد در آفریقا، ۶ مورد در آمریکای لاتین، ۵ مورد در اروپای شرقی و ۴ مورد در آسیا صورت گرفته اند.

با آن که شیوه بیان این ارزیابی‌ها متفاوت است، اما همه آنها دو بُعد از فقر را آشکار کرده اند، که در بررسی‌های متعارف چندان به وضوح دیده نمی‌شوند؛ دو بعدی که اهمیت ویژه‌ای دارند. یکی از آنها دغدغه نسبت به ریسک و نوسانات درآمدی است که اغلب به صورت حس «آسیب پذیری» بیان می‌شود. فقرا در صحبت از وضعیت خود، وضعیت‌هایی را شرح می‌دهند که در آنها نوسانات، فصول و بحرانها بر رفاه آنها تأثیر می‌گذارند. از این توصیف‌ها درمی‌یابیم که فقر تنها به معنای نداشتن نیست، بلکه آسیب پذیر بودن در برابر از دست دادن اندک دارایی موجود نیز هست. فقرا همچنین از تعاملات خود با کارمندان دولت و نهادهای سخن می‌گویند، که بُعد مهم دیگری از زندگی در فقر را نمایان می‌سازد: فقدان قدرت سیاسی. این بیصدایی و فقدان حقوق سیاسی که اغلب به صورت حس ناتوانی توصیف می‌شود، دومین بُعد از فقر است که در ارزیابی‌های مشارکتی آشکار می‌شود و برخی آن را بنیادی ترین ویژگی فقر می‌دانند.

ارزیابی‌های فقر با مشارکت فقرا ناظر بر رویکردی در مطالعه فقر است که در آن خود افراد فقیر به صورت * فعال در فرایند شناخت، تعریف، و تحلیل فقر مشارکت دارند. برخلاف روش‌های سنتی که از بالا به پایین هستند (یعنی کارشناسان با داده‌های آماری در باره فقر و فقرا تصمیم می‌گیرند)، در روش مشارکتی تلاش می‌شود دیدگاه، تجربه، و اولویتهای خود فقرا شنیده و تحلیل شود.

نه به جنگ و استبداد آری به صلح و آزادی

تجاوز دولتهای جنایتکار اسرائیل به ایران را محکوم می‌کنیم

هزینه سنگین مسکن خارج از تحمل شده است

صادق





کارگری که از زور استیصال مجبور شده، از یکی از بانک‌های کشور وام ۲۱۰ میلیون تومانی ودیعه مسکن با سود ۲۳ درصد بگیرد، می‌گوید: بازپرداخت این وام ماهی ۶ میلیون تومان است و مطابق پرینتی که از بانک گرفته‌ام باید در عرض ۶۰ ماه مبلغ ۱۴۵ میلیون تومان به بانک سود بدهم. در واقع ۲۱۰ میلیون گرفته‌ام که یک آپارتمان کوچک در کرج اجاره کنم باید ۲۵۵ میلیون تومان به بانک برگردانم! نظام بانکی از من کارگر مستاجر، ۱۴۵ میلیون تومان، فقط برای سود وام رهن خانه می‌گیرد

این شکایت یک کارگر مستاجر از وضعیت اجاره مسکن است که ظاهراً تنها امکان ممکن برای داشتن یک سقف بالای سر برای میلیون‌ها کارگر و شهروند محسوب می‌شود

پرداخت ماهیانه ۶ میلیون تومان بهره تنها بابت ودیعه پیش برای اجاره یک خانه محقر در جنوب شهر معادل ۶۰ درصد دستمز یک کارگر حداقل بگیر است. تصورش را بکنید اگر قرار باشد ماهیانه مبلغ جداگانه‌ای هم برای اجاره بپردازد و مبلغی را هم بابت پول برق، آب، گاز و تلفن، در آن صورت چیزی از حقوق ماهانه برای بقیه مخارج زندگی اش باقی می‌ماند؟

سال گذشته هنگام تعیین دستمزد نمایندگان سازمان‌های کارفرمایی و دولتی در شورای عالی کار به کارگران وعده ساخت مسکن بجای افزایش کمک هزینه مسکن دادند. اما دریغ از ساخت و تحویل یک مسکن. سال پیشتر نیز به همین گونه رفتار کردند

تامین مسکن شهروندان کم درآمد مطابق قانون جز وظایف دولت است، اما دولت نه تنها به وظیفه خود عمل نکرده و نمی‌کند، بلکه ده‌ها سال است با ندادن تسهیلات پروژه‌های ساختمانی در دست ساخت توسط تعاونی‌های مسکن را متوقف کرده است و در عوض سال به سال بر تورم مسکن افزوده شده است و اساساً امکان صاحب خانه شدن را بکلی در اثر افزایش شدید هزینه ساخت مسکن از کارگران و سایر زحمتکشانشان . اکثراً فاقد مسکن شخصی سلب کرده است

حالا بهره بانکی همراه با قیمت خانه به جایی رسیده است که بسیاری از مردم حتی امکان گرفتن وام برای پرداخت و دیعه را هم ندارند تا برسد به خرید خانه

به همین جهت بواسطه فشار بی سابقه هزینه مسکن، تظاهرات گسترده‌ای در هفته‌های اخیر توسط کسانی که سال‌هاست در نوبت صاحب خانه شدن در نوبت مانده‌اند ولی خانه‌هایشان تکمیل نشده هستیم. هزینه اتمام ساختمان‌های تعاونی که بعضاً ده‌ها سال نیمه کاره مانده آنقدر در اثر تورم و گرانی و بی مسئولیتی مدیران بخش تعاون افزایش یافته که دیگر کسی توان پرداخت آن را ندارد

براساس داده‌های مرکز آمار ایران، نرخ تورم سالانه بخش مسکن در تیرماه ۱۴۰۴ بالغ بر ۳۸.۴ درصد بوده، " تورم نقطه به نقطه مسکن در ماه گذشته ۳۵.۶ درصد و تورم ماهانه نیز معادل ۲ درصد بوده است. در این شرایط، بعد از بی‌سرانجامی بی‌پایان طرح‌های رنگارنگ مسکن کارگری در دولت‌های قبل، دولت چهاردهم دوباره از طرح‌های جدید برای ساخت مسکن کارگری خبر می‌دهد؛ آنهم در حالیکه به گفته «محسن باقری» از نمایندگان کارگری در مذاکرات مزدی، هیچ یک از طرح‌های مسکن کارگری دولت‌های پیشین به نتیجه "نرسید فقط تفاهم‌نامه امضا کردند و عدد و رقم ارائه دادند



بله پاراگراف بالا گزارش یکی از اعضای شورای عالی کار است که در هنگام بحث دستمزد و مسکن در جریان ریز تصمیمات این شورا راجع به دستمزد قرار داشته است و مصوبه دستمزدی زیر خط فقر را نیز تأیید و حتی از آن دفاع کرده است.

دی ماه ۱۳۹۸ تفاهم‌نامه ساخت ۲۰۰ هزار واحد مسکونی برای کارگران، بازنشستگان و مستمری بگیران بین وزرای تعاون، کار و رفاه اجتماعی و راه و شهرسازی و همچنین تفاهم‌نامه ساخت ۱۰۰ هزار واحد مسکونی در جوار شهرک‌های صنعتی میان اتاق تعاون و وزارت راه و شهرسازی به امضا رسید. دو سال بعد هیچ مسکنی ساخته نشد. وعده ساخت ۴۰۰ هزار واحد توسط دولت رئیسی هم عملی نشد.

سیاست دولت هم این نیست که بخش تعاونی را با دادن تسهیلات و وام کم بهره تقویت کند. همه ی تمرکز سیاست دولت متوجه تقویت بخش خصوصی و بویژه حمایت از انبوه‌سازی است که مردم حقوق بگیر توانایی پرداخت هزینه خانه های ساخته شده توسط آنها را ندارند. مجموع این عوامل باعث افزایش قیمت و اجاره خانه شده است. بطوریکه در پاره‌ای گزارشها آمده تنها در تهران صدها هزار آپارتمان خالی وجود دارد که کسی توانایی پرداخت اجاره سنگین آنها را ندارد.

بعضی از گزارشات منتشر شده، مانند این گوشه‌هایی از بحران مسکن و تغییر و تحولاتی که در آن بوجود آمده منعکس می کنند

کارگران درمانده، به خانه‌های اشتراکی و بسیار کوچک روی آورده‌اند؛ بسیار اتفاقی به یک خانواده کارگری، "یک زوج ساکن در اندیشه کرج برخوردیم که در آن منطقه، یک آپارتمان ۷۵ متری را با یک زوج تهرانی دیگر شریک شده‌اند؛ هر کدام یک اتاق دارند و آشپزخانه و حمام و سرویس بهداشتی مشترک است؛ هر زوج ماهی ۷ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان برای یک اتاق نهایتاً سه در چهار، اجاره ماهانه می‌دهد و ۱۵۰ میلیون تومان پول پیش داده است. زن یکی از خانواده‌ها می‌گوید: این نوع زندگی، شبیه زندگی در اردوگاه است؛ "اردوگاه کار اجباری که برای خواب یک اتاق کوچک داری و همه چیز مشترک است

بدتر از وضع این دو زوج وضعیت کسانی است که حتی امکان تأمین هزینه یک آپارتمان دو اتاقه با اجاره ۱۵ میلیون در ماه را ندارند

ماشین خوابی، زندگی در حلبی‌آبادهای مدرن، جدایی سرپرست شاغل خانواده در طول هفته و شب‌ها را در اتوبوس یا پشت‌بام اجاره‌ای به سر بردن، نمودهای ناراحت‌کننده‌ی دیگر از پدیده‌ای است که از «بد مسکنی» گذشته و دیگر به «بی‌مسکنی» و «بی‌خانمانی» رسیده است

قبلا عده‌قلیلی از مردم بودند که بی‌خانمان و خیابان خواب بودند و خیلی‌هایشان معتاد بودند حالا اما انبوهی از مردم هستند که خیلی‌هایشان شغل و درآمد دارند، با این وجود درآمدشان کفاف تأمین اجاره خانه را نمی‌دهد. در این میان دولت جوری با این مسائل برخورد می‌کند که انگار مسئولیتی برای خودش قائل نیست. وضعیت مسکن دارد می‌رود تا خود به تنهایی به شورشهای شهری منتهی شود و وضعیتی بدتر از سال ۵۷ پیدا کند. با این تفاوت که در آن زمان اگر بحران حاشیه‌نشینی حالت انفجاری پیدا کرده بود، اما خیلی از بحرانهای دیگر همچون، بی‌آبی و بی‌برقی لااقل در ابعاد امروز وجود نداشت و هزینه‌های زندگی به اندازه امروز سنگین نشده بود



کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم! اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی! از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!

بله ولی با کدام تشکل؟

ع امید



خانه کارگر و شوراهای اسلامی و دیگر ساختارهای متعلق به آن عملاً نقش خود را در میان کارگران از دست داده و مدتهاست نه از سوی کارگران جدی گرفته می شوند و نه از سوی حامیان و بانیان حکومتی خود به بازی گرفته می شوند.

می شود گفت از این جا رانده و از آنجا مانده شده‌اند. البته موقعیت آنها دور از انتظار نبود. بهمین دلیل با راه انداختن مراسم تشریفاتی تلاش دارند خود را از سقوط کامل نجات دهند. در جلساتی که در یکی دو روز اخیر بر پا کردند، به کسانی که به این تشکل حکومتی بپیوندند وعده‌های می دهند که بیشتر شبیه به آگهی تبلیغاتی شرکت‌های تجاری است. شعار اصلی این مراسم این است:

"عضو خانه کارگر شوید و از هزاران خدمت بهرمند گردید"

دوران برو بیایی آنها نزد مقامات و نهادهای حکومتی که در دهه اول حکومت وجود داشت و از وزیر کار تا اتحادیه های تعاونیرا در اختیارشان قرار داده بودند، به پایان رسیده و زودتر از آن بازی، نقش و ماهیت آنها نزد توده کارگران افشا شده بود و آنچه آنها را سرپا نگه می داشت امکانات گسترده‌ای بود که حکومت در اوج سرکوب جنبش مستقل شورایی و سندیکایی برای مقابله با جنبش در اختیار آنها قرار داده بود. حالا نیز تنها توشه آنها همان امکاناتی است که در گذشته در اختیار آنها قرار داده‌اند و با کمک آن تلاش دارند خود را از سقوط کامل نجات دهند. بهمین جهت به تکاپو افتاده‌اند تا با کمک تاکتیک های جدید مفری برای نجات خود بیابند.

اخیرا آنها با تشکیل جلسات تبلیغاتی و گفتن برخی حرفهای باب روز سعی می کنند کارگران و مزد بگیران را تشویق به پیوستن به خود نمایند. در یکی از این جلسات که معاون امور بین الملل سخنران آن بود،



محمد حمزه‌ای، معاون امور بین‌الملل خانه کارگر، در همایش توجیهی اعضای جدید خانه کارگر، گفت: " کارگران تنها از طریق تشکل، همبستگی و اتحاد با یکدیگر می‌توانند به حقوق قانونی خود برسند. این موضوع در سراسر جهان به‌طور مشابه وجود دارد؛ تشکل‌های موفق، نتیجه همکاری و همبستگی اعضای "خود هستند

این حرف درستی است که به خودی خود ایرادی بر آن وارد نیست. اما اشکال اش در این است که بین تشکل وابسته به حکومت که بارزترین مصداق آن خانه کارگر و شوراهای اسلامی هستند با تشکل مستقل را لاپوشانی می‌کند. منظور او از تشکل همان تشکلهای بد سابقه حکومتی است که نه تنها کمکی به همبستگی و اتحاد کارگر نکرده‌اند، بلکه با قرار گرفتن در خدمت رژیم کارگر ستیز و شرکت در سرکوب تشکلهای مستقل و غیر حکومتی مانع بر سر راه اتحاد و همبستگی و تشکیلیابی کارگران بوجود آورده و بجای کمک به رفاه کارگران به حکومت کمک کرده‌اند تا حقوق طبقه کارگر را از بیخ و بن براندازد و آنها را به زیر خط فقر براند. بنا بر این حرفهای جناب مسئول روابط بین‌المللی تبلیغات کذب و انحرافی است و طبعاً کسی را فریب نمی‌دهد

جناب معاون در سخنرانی خود به سیاق رهبران همه ی تشکلهای سر سپرده از رئیس خود که علیرضا محبوب دبیر کل خانه کارگر باشد تعریف و تمجید چاپولسانه می‌کند و عناوینی به وی می‌دهد که همگی خلاف واقع است. اگر صفاتی که به محبوب دبیرکل مادام‌العمر خانه کارگر نسبت می‌دهد صحت دارد پس چگونه است که کار خانه کارگر و طبقه کارگر طی ۴۶ سال دبیر کلی این آقا نه تنها ذره‌ای پیشرفت نکرده، بلکه پسرفت کرده است؟

حمزه‌ای گفت: آقای محبوب اهداف بسیار والایی در زمینه مسائل آموزشی دارند و همچنین به عنوان نایب رئیس اتحادیه کارگران جهان، که نماینده ۱۹۰ میلیون نفر از پنج قاره جهان است، نقش مهمی ایفا می‌کنند. "این افتخاری بزرگ برای تشکل ما است و هدف ما دفاع از حقوق کارگران است

خواجه حافظ شیرازی هم سبب بر کشیدن محبوب به معاونت "اتحادیه کارگران جهان" را از بر است. در کشوری که نمایندگان کارگران و معلمان به خاطر فعالیت سندیکایی به ۱۰ سال زندان محکوم می‌شوند، و ده ها سال است جلوی تشکیل مجامع عمومی کارگری گرفته شده، علیرضا محبوب در کدام مجمع به عنوان نماینده کارگران ایران انتخاب شده است که در کنگره فدراسیون به سمت نایب رئیس انتخاب شود؟ باعث تاسف است که این اتحادیه بین‌المللی یکی از عوامل رژیم را به سمت نیابت بر گزیده که نه تنها طبقه کارگر را نمایندگی نمی‌کند بلکه عامل یکی از سرکوبترین رژیم‌های ضد کارگری است

در این صورت عجیب نیست که این سازمان بین‌المللی در برابر سرکوب سازمانهای کارگری مستقل و رهبران آنها سکوت مطلق پیشه کرده است. آیا این جناب مدیرکل در همه ی سالهای طولانی که افتخار مسئولیت روابط بین‌المللی را به عهده داشته، حتی برای یکبار هم که شده، از این فدراسیون درخواست کرده است که صدها مورد نقض حقوق سندیکایی کارگران ایران را محکوم کند؟ جناب نایب رئیس چه؟ خیر! باید پرسید این معاونت آیا دهشاهی برای کارگران و زحمتکشانش ارزش داشته که مسئول روابط بین‌المللی پز آن را می‌دهد؟



معاون امور بین الملل خانه کارگر گفت: خانه کارگر در بخش روابط بین الملل، ارتباط گسترده‌ای با کشورهای " مختلف جهان دارد و تلاش می‌کند از حقوق کارگران در سطح بین‌المللی دفاع کند و قراردادهای بین‌المللی را .." به نفع کارگران به تصویب برساند

آقا شما که در همان فدراسیون هم کوچکترین دفاعی از حقوق کارگر ایرانی نکرده‌اید، چطور ادعای حمایت از کارگران جهان را می‌کنید؟ اگر راست می‌گویید چند مورد از کارهایی را کرده‌اید نام ببرید تا کارگران ایران از آن مطلع شوند.

حضور شما در فدراسیون تشریفاتی است. سبب آن هم روشن است، ولی جای پرداختن به آن در اینجا نیست، انتقاد و اعتراض ما نیز بیشتر به نقش شما و محجوب است. این شما هستید که ظلم و ستمی را که حکومت تان بر کارگران روا می‌دارد گزارش نمی‌کنید و از آنان درخواست اعتراض نمی‌کنید. درست همچنان که نه تنها سرکوب فعالین سندیکایی را که توسط حکومت تان انجام می‌گیرد محکوم نمی‌کنید بلکه در سرکوب مشارکت دارید.

بله اتحاد، همبستگی، سازمانیابی و مبارزه راه نجات طبقه کارگر است، اما تشکیلات دولتی که شما هم عضو آن هستید در همه ی سالها سعی کرده اند مانع آن شوند تا راه استثمار و سرکوب و بی حقوق سازی طبقه کارگر را باز و فراخ نگه دارند. با وجود این سوابق کسی به سراغ خانه کارگر نخواهد آمد.

اما حرکت در جهت سازمانیابی مستقلانه طبقه کارگر سالهاست جریان دارد و رو به پیشرفت است. آنچه باعث دلهره و تقلای اخیر شما شده است همین است. خود شما و حتی رهبران آن فدراسیون جهانی خوب می‌دانید اعتبار و عمری برای تشکلهای وابسته در میان کارگران باقی نمانده است. همه چیز در حال تغییر و تحول است و با فریبکاری نمی‌توانید فرایند سازمانیابی مستقلانه طبقه کارگر را تغییر دهید.

در همه جای دنیا رهبران را با عملکرد و پیشرفت شان مورد ارزیابی و قضاوت قرار می‌دهند، فقط در سیستم های دیکتاتوری است که پسرقت را پیشرفت جا می‌زنند تا بتوانند از رهبران فاسد و سر سپرده تجلیل و تمجید کنند.

این رویه البته سالهاست که اثر خود را از دست داده و این را خود مسئول روابط بین المللی این تشکل بی بنیاد خوب می‌فهمد، منتها حفظ شغل و موقعیت اش ایجاب می‌کند چنین کند.



اعتراضات کارگری دم به دم گسترش پیدا می‌کنند

تجمع کارکنان رسمی صنعت نفت در چند سایت/ قانون اجرایی شود

.کارکنان رسمی شرکت نفت و گاز در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان تجمع کردند



به گزارش خبرنگار ایلنا، روز دوشنبه ۲۰ مرداد ماه، کارکنان رسمی شرکت نفت و گاز پارس سایت عسلویه و ، در اعتراض به بی‌توجهی به مطالبات خود POGC سایت ۲ کنگان و همچنین کارکنان سکوی‌های ۴۰ گانه تجمع کردند.

این کارگران، حذف سقف حقوق در مناطق عملیاتی، مخالفت با تفکیک مشاغل به تخصصی و پشتیبانی، حذف کامل سقف بازنشستگی و پرداخت کامل سنوات کارکنان براساس آئین نامه نفت، اصلاح کف حقوق برای کارکنان جدید، مرجوع کردن مالیات اضافه اخذ شده در سالهای اخیر براساس قوانین موجود و اجرای کامل قانون نفت را از مهم‌ترین خواسته‌های خود برشمردند و اعلام کردند: انتظار داریم قانون اجرایی شده و محدودیت‌ها برای کارکنان عملیاتی نفت و گاز برداشته شود.



تجمع اعتراضی همزمان پرتوکاران در بیش از ۱۰ شهر کشور

اعتراض پرتوکاران امروز همزمان در دهها شهر برگزار شد. تجمع پرتوکاران در شهرهای تهران، تبریز، مشهد، اراک، کرمانشاه، اصفهان، ایلام، اهواز، قزوین، زنجان، همدان و... در اعتراض به بی‌توجهی و بی‌مسئولیتی مسئولان، سال‌ها وعده‌ی توخالی، شرایط کاری جهنمی، حقوق و مزایای پرداخت‌نشده، و بی‌تدبیری‌های پیاپی در نظام سلامت و پرتوشناسی به شکل همزمان برگزار شد. برگزار ی تجمعات اعتراضی همزمان در چندین استان که با سازماندهی شبکه ای هماهنگ می شود به شنیده شدن صدای پرتوکاران و پژواک بیشتر مطالبات شان کمک می کند. اهم مطالبات پرتوکاران

شمول کامل در طرح ارتقای بهره‌وری

تعرفه‌گذاری عادلانه و تخصص‌محور

اختصاص شماره نظام پزشکی حرفه‌ای

تشکیل اداره کل امور پرتوها در وزارت بهداشت

پرداخت معوقات حق اشعه

برخورد قانونی با متخلفان





تظاهرات هفتگی بازنشستگان با شعار حقوق ها برای یک هفته کافی نیست برگزار شد

تظاهرات یکشنبه های بازنشستگان روز گذشته در چندین شهر از جمله در، تهران، اهواز، رشت، کرمانشاه، تبریز، سنندج، زنجان و اصفهان، برگزار شد. افزایش حقوق و مستمری بازنشستگی مهمترین مطالبه تظاهرات روز گذشته بازنشستگان بود که به عقیده بازنشستگان برای تامین حداقل های زندگی در یک هفته کافی نیست. افزایش شدید قیمت مواد غذایی، دارو و سایر هزینه های زندگی در ماه گذشته، قدرت خرید بازنشستگان را که حقوق شان همچنان ثابت مانده به شدت کاهش داده و آنها را مستاصل کرده است.



به گزارش خبرنگار ایلنا، دوازدهم مرداد، حشمت الله عسگری، معاون اقتصادی استاندار تهران، مقابل خبرنگاران حاضر شد و یک خبر داغ داد: نان در تهران ۵۲ درصد گران می شود

وی با اشاره به اعلام رسمی قیمت های جدید نان خاطرنشان کرد: نرخ های جدید در سامانه نانو درج شده و در حال حاضر ملاک عمل نانویان قرار دارد. بر اساس مصوبه اخیر، قیمت نان در شهر تهران و برخی شهرستان های متصل به آن تا ۵۲ درصد افزایش یافته و در سایر شهرستان های استان ۴۰۲ درصد رشد داشته است.

و باید توجه داشت که این قیمت های جدید که نجومی افزایش یافته، فقط محدود به نانوی های سهمیه ای است که آرد یارانه ای می گیرند و در شهرهای بزرگ تعدادشان بسیار محدود و حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد نانوی های فعال است؛ عملاً آنچه دست مردم می رسد «نان آزاد» و با قیمت آزاد و فارغ از هر نوع نظارت است.



آخرین وضعیت داود رضوی پس از بازگشت به زندان: بلاتکلیفی، فشار روانی و محرومیت از امکانات اولیه

داود رضوی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، روز جمعه ۳۰ خرداد به مرخصی پنج روزه آمد. به دلیل حمله جنایتکارانه ی موشکی اسرائیل به زندان اوین در دوم تیر، خانواده ناچار شدند در شرایط جنگی و با بسته شدن جاده ها، با تأخیر و در روز ششم تیر به تهران بازگردند. در این مدت، او از شهرستان نامه ای به دادستانی ارسال کرد تا شرایط اضطراری را توضیح دهد، اما در پی بی نظمی های اداری و فقدان پاسخ گویی، این اقدام بی نتیجه ماند.

پس از مراجعه به دادستانی و پیگیری موضوع، مشخص شد نامه رسیده، اما به دلیل نبود مانیتور، قاضی مربوطه آن را نخوانده است. سپس خانواده به دادسرای امنیت در خیابان ویلا و بعد به زندان تهران بزرگ



ارجاع داده شدند. همسر داود رضوی نهایتاً موفق به ملاقات با نیری، دادیار ناظر بر زندان، شد و او پس از شنیدن شرح ماجرا دستور بازگشت فوری داود را صادر کرد. این در حالی بود که تنها یک روز بعد اعلام شد کلیه مرخصی‌ها تا پایان تیرماه تمدید شده‌اند.

در روز اول مرداد، رضوی به زندان مراجعه کرد، اما به دلیل نداشتن کارت عکس، از ورود به بند ممانعت شد و به‌طور موقت به یک سوله منتقل شد. این سوله دارای چهار اتاق با مجموع ۴۸ تخت بود، اما بیش از ۷۰ زندانی در آن نگهداری می‌شدند و بسیاری ناچار به کف‌خوابی بودند. وضعیت بهداشتی و رفاهی در این محل به قدری وخیم بود که وی در هیچ‌یک از دوره‌های زندانش، چنین شرایط غیرانسانی‌ای را تجربه نکرده بود.

پس از دو روز، رضوی به سالن شش زندان تهران بزرگ منتقل شد. او از مسئولان درخواست کرده بود به بند همبندی‌های سابقش از زندان اوین منتقل شود، اما این درخواست ابتدا رد شد و او به سالنی دیگر فرستاده شد، در حالی که هیچ‌گونه لباس، وسایل شخصی یا اقلام ضروری به همراه نداشت. چون هنگام حمله به اوین در مرخصی بود، وسایلیش در زندان باقی مانده و همبندی‌هایش نیز فقط توانسته‌اند بخش محدودی از وسایل خود را منتقل کنند. در نهایت، با پیگیری همبندی‌هایش و رضایت خود او، رضوی به بند مورد نظر منتقل شد، اما همچنان با کمبود وسایل اولیه مواجه است. او سه روز نخست بازگشت را در فشار شدید جسمی و روانی گذراند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن ابراز نگرانی عمیق از وضعیت وخیم داود رضوی، بار دیگر تأکید می‌کند مسئولیت مستقیم حفظ جان و سلامت این فعال کارگری بر عهده‌ی مسئولان زندان و نهادهای قضایی است. همچنین سندیکا خواستار آزادی بی‌قید و شرط داود رضوی، پایان فشارها بر اعضای سندیکا، و آزادی کلیه فعالان کارگری، معلمان، بازنشستگان و زندانیان سیاسی و عقیدتی و لغو کامل مجازات‌های غیرانسانی اعدام است.

داود رضوی باید آزاد گردد.

فعالان کارگری و زندانیان سیاسی و عقیدتی باید آزاد شوند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

مرداد ۱۴۰۴ ۷



محکومیت قطعی مسعود فرهیخته فعال صنفی معلمان به سه سال و شش ماه و یک روز زندان



شعبه دوازدهم دادگاه تجدیدنظر استان البرز #مسعود_فرهیخته را به سه سال و شش ماه و یک روز زندان محکوم کرد. پیش از این شعبه دوم دادگاه انقلاب کرج در تاریخ ۲۷ آذر ۱۴۰۳ این فعال صنفی را به ۶ سال زندان محکوم کرده بود.

این فعال صنفی معلمان به اتهام «اجتماع و تبانی» به سه سال و شش ماه و یک روز حبس و به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به هفت ماه و شانزده روز حبس محکوم گردیده است که بنا بر قانون مجازات اسلامی، مجازات اشد اجرا خواهد شد.

چاره کارگران وحدت و تشکیلات مستقل است!

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

از مبارزه کارگران قراردادی و پیمانی برای لغو کار پیمانی و قرارداد های اسارتبار موقت حمایت کنیم!

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>